

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نقشه ۲۴

سطح ۲

درس ۶

استاد: حجت‌الاسلام والمسلمین امینی

آموزشیار: آقای خادمی

## مقدمه

در درس گذشته دلیل ولایت ولی بر مجنونی که جنونش بعد از بلوغ عارض شده بیان نمودیم و سپس در مورد کیفیت رضایت ابویین سه نظریه به همراه ادله آن مورد نقد و بررسی واقع شد.

در این درس بعضی از احکام نگاه کردن از دیدگاه فقهی بررسی می‌شود این احکام عبارت‌اند از:

الف) عدم جواز نگاه کردن مرد به بدن زن نامحرم حتی بدون تلذذ.

ب) جواز نگاه کردن به صورت و دست‌ها.

ج) جواز نگاه کردن به بدن هم‌جنس غیر از عورت

د) حکم نگاه کردن به زنان سالخورده و دختران نابالغ.

ه) نگاه کردن به زنانی که قصد ازدواج با آنان را دارد.

و در ادامه بعضی مستندات احکام فوق مورد نقد و بررسی واقع می‌شود.

## نگاه مرد به زن

برای مرد نگاه کردن به بدن زن نامحرم حتی اگر قصد لذت هم نداشته باشد حرام است و جمعی از فقها نگاه به قرص صورت و دستها تا میچ را اگر بدون قصد تلمذ باشد از این حکم استثنا کرده اند.<sup>۱</sup>

در این مسئله دو نظریه وجود دارد

(الف) نگاه زن به بدن مرد نامحرم جایز نیست مگر به صورت و دست ها تا میچ به شرط عدم تلمذ.

(ب) نگاه زن به بدن مرد به شرط عدم تلمذ جایز است.

## نگاه به بدن هم جنس

هر یک از زن و مرد می توانند به غیر از عورت به تمام بدن همجنس خود نگاه کنند.

## موارد استثنا

در برخی از موارد نگاه به بدن نامحرم حرام نمی باشد

۱. مقام معالجه: مرد پزشک می تواند به بدن زن بیمار نگاه کند<sup>۱</sup>

---

۱. أقول: هذه المسألة معركة للآراء و اختلفت فيها كلماتهم، و المعروف أن فيها أقوال ثلاثة كما ذكره غير واحد.

قال الشهيد الثاني في المسالك: تحريم نظر الرجل إلى الأجنبية فيما عدا الوجه و الكفين موضع وفاق بين المسلمين، و لا فرق فيه بين التلمذ و عدمه و لا بين خوف الفتنة و عدمه.

و أمّا الوجه و الكفان، فان كان في نظرهما أحد الأمرين، حرم أيضا إجماعا؛ و إلّا ففي الجواز أقوال:

أحدها: الجواز مطلقا على كراهية، اختاره الشيخ (ره) ...

و الثاني: التحريم مطلقا، اختاره العلامة في التذكرة ...

و الثالث: جواز النظر إلى الوجه و الكفين على كراهية مرة لا أزيد، و هو الاذی اختاره المصنف و العلامة في أكثر كتبه ... «۱»

و صرح صاحب الجواهر (قدس الله نفسه الشريفة) بأن النظر إلى غير الوجه و الكفين غير جائز في حال الاختيار بالإجماع، بل الضرورة من المذهب، بل ضرورة الدين، ثم نقل جواز النظر إلى الوجه و الكفين من دون تلمذ و ريبه عن جماعة، و بعد الاستدلال له قال: و قيل لا يجوز مطلقا، و اختاره الفاضل في التذكرة و غيرها. و ذكر في آخر المسألة كلام المحقق (قدس سرّه)، أى التفصيل بين المرأة الاولى فيجوز، و معاودة النظر فلا يجوز، و جعله أضعف الأقوال في المسألة.

و يظهر من كلام ابن قدامة في المغنى، أن الأقوال الثلاثة أيضا موجودة عندهم، فقد حكى عن القاضي (من فقهاءهم) أنه قال: يحرم عليه النظر إلى ما عدا الوجه و الكفين، لأنه عورة، و يباح له النظر إليها مع الكراهة إذا أمن الفتنة و نظر بغير شهوة. ثم قال: و هذا مذهب الشافعي، لقول الله تعالى: وَ لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا. قال ابن عباس: الوجه و الكفين.

و حكى في صدر كلامه عن أحمد أنه محرما إلى جميعها حيث قال: لا يأكل مع مطلقة هو أجنبي لا يحل له أن ينظر إليها، كيف يأكل معها ينظر إلى كفها؟ لا يحل له ذلك. ثم اختار هو نفسه، عدم الجواز، و استدل ببعض الآيات و غير واحد من الروايات، منها ما عن علي عليه السلام قال: قال لي رسول الله صلى الله عليه و آله: لا تتبع النظرة النظرة، فانما لك الاولى و ليست لك الآخرة (و هذه تشير إلى القول الثالث) «أنوار الفقاهة - كتاب النكاح (لمكارم)، ص: ۶۲».

۲. موارد ضرورت: اگر ضرورت اقتضا کند جایز است که فرد به بدن مرد یا زن نامحرم نگاه کند مثل جایی که کسی در حال غرق شدن است و کسی که می‌خواهد او را نجات دهد برای حفظ جان ناچار است به بدن او نگاه کند و یا لمس کند و نیز کسی که در حال آتش گرفتن است حکمش همین است در این صورت علاوه بر این که نگاه کردن جایز است بلکه لمس کردن و گرفتن آن نیز اشکالی ندارد.

۳. زنان یائسه: نگاه کردن به زنانی که رغبت و امید ازدواج با آنان نیست و سن و سالی از آنان گذشته است جایز است.<sup>۲</sup>

۳. نگاه کردن به دخترانی که هنوز بالغ نشده‌اند جایز است و نیز برای زنان واجب نیست نسبت به پسران نابالغ حجاب خود را رعایت کنند گرچه رعایت حجاب نیکوست.

۴. برای مردی که قصد ازدواج با زنی را دارد جایز است به صورت و دستها و موی سر و نیز برخی از محاسن زن نگاه کند. و برخی از فقها برای زن نیز جایز می‌دانند به صورت و دستها و برخی محاسن مردی که قصد ازدواج با او را دارد نگاه کند.

### نگاه کردن به غیر مسلمان و زنان بی مبالات

۵. نگاه کردن به زنان غیر مسلمان و زنان مسلمان بدحجابی که اگر به آنان تذکر داده شود قبول نمی‌کنند و نسبت به رعایت حدود شریعت بی مبالات هستند جایز است به شرط این که با قصد لذت نباشد

### تطبیق

متن: أَحْكَامُ النَّظَرِ،

ترجمه: احکام نگاه کردن

متن: لا يجوز للرجل النظر إلى بدن الاجنبية و لو من دون تلذذ. و استثنى جمع من الفقهاء من ذلك الوجه و الكفين. و في جواز نظر المرأة إلى الرجل خلاف.

۱. البته غیر از آیت الله سیستانی بقیه علمای معاصر قائل به این نظریه نیستند و مقام معالجه را از مصادیق ضرورت می‌دانند و معتقدند اگر پزشک هم جنس نباشد در حالت ضرورت می‌توان به پزشک مرد مراجعه نمود.

۲. بقی هنا فروع

۱- هل هنا فرق بين ذات البعل و غيرها؟

ظاهر اطلاق الباب عدم الفرق بينهما و قد يتوهم أن قوله تعالى: **لَا يَرْجُونَ نِكَاحاً** في الآية الشريفة و قوله عليه السلام: قعدن عن النكاح؛ في بعض روايات الباب، دليل على أن المراد منها غير ذات البعل. و لكن الانصاف أنها ناظرة إلى بيان كثرة السن، لذا عبر عنها في بعض الروايات المعتبرة (صحيحه حرير بن عبد الله ۴ / ۱۱۰) بالمسنة.

۲- هل الحكم يشمل لمسهن بالمصافحة و شبهها؟

الظاهر عدمه، لأن الآية الشريفة و الروايات كلها دليل على جواز النظر.

۳- هل الحكم يختص بداخل البيوت؟

هل هناك فرق بين وضع الثياب داخل البيوت أو يشمل خارجها أيضاً؟

الظاهر عدم الفرق في ذلك، للإطلاقات.

و لكن هذا كله بالعنوان الاوّل، فلو أوجب ذلك فساداً في المجتمع، أمكن المنع منه بالعنوان الثانوي.

ترجمه: نگاه کردن مرد به بدن نامحرم جایز نیست اگر چه بدون لذت بردن باشد طبق نظر جمعی از فقها صورت و کف دست ها از بدن استثنا شده است. و در جایز بودن نگاه زن به مرد نامحرم اختلاف وجود دارد.

و يجوز لكل من الرجل و المرأة النظر إلى بدن مماثلة ما عدا العورة.

بر هر مرد وزنی جایز است که به تمام بدن هم جنس خود، به جز عورت او نگاه کند.

و يستثنى من حرمة النظر إلى الاجنبية مقام المعالجة و حالة الضرورة كالإنقاذ من الغرق أو الحرق و نحوهما فانه يجوز النظر بل اللمس أيضا.

از حرمت نگاه به بدن نامحرم حالت معالجه، ضرورت مواردی مانند نجات از غرق شدن و آتش سوزی و مانند آن ها استثنا شده است و نگاه کردن بلکه دست زدن (به بدن) نیز جایز است.

كما يستثنى النظر إلى القواعد من النساء و الصبية غير البالغة.

همانطور که نگاه کردن به زن های یائسه و دختر غیر بالغ استثنا شده است.

و لا يلزم المرأة التحجب من الصبي غير البالغ و ان كان ذلك أفضل.

برای زن حجاب داشتن در برابر پسر بچه نابالغ لازم نیست اگر چه رعایت حجاب بهتر است.

و يجوز لمن أراد التزوج بامرأة النظر إلى وجهها و كفيها و شعرها و محاسنها. و في نظر المرأة إلى من تريد الزواج به قول بالجواز.

و برای کسی که می خواهد با زنی ازدواج کند جایز است به صورت و دست ها و موی سر و زینت های بدن او نگاه کند و گفته شده که نگاه زن به کسی که می خواهد با او ازدواج کند جایز است .

و يجوز النظر إلى غير المسلمة و كل امرأة لا تنتهي إذا نهيت بشرط عدم التلذذ.

نگاه به زن غیر مسلمان و هر زنی که وقتی نهیش می کنند عمل نمی کند با شرط عدم تلذذ جایز است.

SCO: ۱: ۱۰: ۲

### ادله بعضی احکام

#### ادله حرمت نظر به زن نامحرم

الف: تسالم فقهی: اجمالا باید دانسته شود که نگاه به بدن نامحرم اگر چه بدون قصد لذت باشد حرام است و این از مسلمات فقه اسلامی است<sup>۱</sup>.

ب: آیات قرآن کریم:

آیه اول: سخن خدای متعال که می گوید: « روسری های خود را بر سینه افکنند) تا گردن و سینه با آن پوشانده شود» دلالت بر حرمت نظر به اجنبیه دارد.<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> . و العلة في حرمة النظر هو: من ضروريات الإسلام: أن المسألة على إجمالها مما لا خلاف فيه، بل هي إجماعية، بل من ضروريات دين الإسلام، يعرفها اليوم الأجانب أيضا، و قد اتسع نطاقها لجهات شتى، حتى صارت اليوم من شعارات المسلمين يعرفها كل مؤلف و مخالف. و كفي بذلك، دليلا على إثباتها، و إن كان هناك دلائل كثيرة غيرها، و هي آيات من كتاب الله و طوائف من الأخبار.

<sup>۲</sup> . و يجوز الاستدلال أيضا بقوله تعالى: « وَ لِيُضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ... » فان الخمار في الأصل و إن كان بمعنى مطلق ما يستر شيئا- و قد سميت الخمر خمرا لأنها تستر العقل- إلا أنه يطلق في العرف و اللغة بما يستر النساء رؤسهن، و هو المقنعة.

نکته: مدلول مطابقی این آیه حرمت نمایان کردن سینه و گردن است اما مدلول التزامی آن حرمت نظر به اجنبیه است زیرا حرام کردن ابداء سر و سینه برای این است که مردان به آن نگاه نکنند.

آیه دوم: مصنف می‌گوید ممکن است حکم عدم جواز نگاه به نامحرم از آیه دیگری نیز استفاده شود و آن سخن خدای متعال است که می‌فرماید: «زینت خود را نمایان نکنند مگر این که برای شوهر باشد» بدین گونه که حرمت آشکار نمودن مواضع زینت برای دیگران عرفاً مستلزم حرمت نگاه کردن است زیرا حرمت آشکار ساختن به دلیل این است که از دیدگان نامحرم پوشانده شود و مردان به آن نگاه نکنند پس وقتی آشکار ساختن و نمایاندن جایز نباشد نگاه کردن نیز جایز نیست. این استدلال در صورتی است که مراد از «زینت» مواضع زینت (محل گردن‌بند یا محل النگو) باشد اما اگر مراد از زینت، خود زیور آلات از قبیل گردن بند و النگو باشد از طریق اولویت عرفیه ثابت می‌شود که اگر اظهار زینت حرام باشد، به طریق اولی نشان دادن محل زینت حرام است.

### اشکال به یک استدلال

برخی از فقها برای حرمت نگاه به نامحرم استدلال کرده‌اند به آیه شریفه: « به مومنین بگو که نگاه شان را کوتاه کنند» و کلمه (غضوا) را به بستن چشم‌ها در هنگام مواجهه با نامحرم معنا نموده‌اند. این استدلال صحیح نیست؛ زیرا غض بصر به معنای فرو بستن مستقیم چشم نیست بلکه به معنای ادامه نگاه و طمع داشتن به استمرار نگاه است.

به علاوه این که برخی گفته‌اند که غض بصر در این مورد با توجه به سیاق آیات به معنای حفظ فروج از مرتکب شدن عمل خلاف شرع است.

روایات: روایاتی در منابع اسلامی وجود دارد که صرفاً نمایان نمودن صورت و کف دست را استثنا کرده است<sup>۱</sup> و نیز یک سری روایاتی که در ابواب مختلف آمده است و محتوای شان جواز نگاه به صورت و کفین حرمت نگاه به سایر مواضع است. و تفصیل این روایات در مباحث آینده خواهد آمد.

### تطبیق

#### و المستند فی ذلک:

مستند این امور

۱- اما حرمة النظر إلى بدن الاجنبية فی الجملة و لو لم یکن بتلذذ، فهو من واضحات الفقه. و یمکن استفادته من قوله تعالی: وَ لَیْضُرُّنَّ بِخُمْرِهِنَّ عَلَی جُیُوبِهِنَّ<sup>۲</sup>، و الروایات الآتیة التي تستثنی الوجه و الکفین من حرمة الابداء، و غیر ذلک من الروایات الواردة فی الموارد المتفرقة.

قال فی المجمع: و هو غطاء رأس المرأة المنسدل علی جیبتها، امرن بالقاء المقانع علی صدورهنّ تغطية لنحوهن. فقد قبل، إنهن کنّ یلقین مقانعهن علی ظهورهن، فتبدو صدورهن؛ و کنی عن الصدور بالجیوب لأنها ملبوسة علیها. انتهى. فلم یأمر بستر الوجه بها، بل أمر بستر الجیوب و الاعناق، و هذا من أوضح الدلیل علی عدم وجوب ستر الوجه. «أنوار الفقاهة - کتاب النکاح (لمکارم)، ص: ۶۵»

<sup>۱</sup> البته به این استدلال باید یک ملازمه عرفیه نیز ضمیمه گردد.

<sup>۲</sup> .النور: ۳۱.

حرمت نگاه کردن به بدن زن نامحرم به صورت کلی اگر چه از روی لذت نباشد، از مسلمات فقه است و می توان برای اثبات آن از آیه شریفه استفاده کرد « باید روسری های خود را بر سینه خود افکنند» و نیز روایاتی که در آینده می آید که صورت و دست ها را از حرمت آشکار کردن (زینت) استثنا کرده است، غیر از آن، روایاتی که در موارد مختلف و متفرقه وارد شده است.

بل قد استفاد ذلك من قوله تعالى: «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ...»، فان حرمة الابداء امام الغير تستلزم حرمة نظره عرفا. و المراد بالزينة ان كان مواضعها فالأمر واضح، و ان كان نفسها فحرمة ابدائها تستلزم حرمة ابداء مواضعها بالاولوية العرفية.

بلکه حرمت نگاه از سخن خدای بلند مرتبه استفاده می شود « زنان زینت خو را نمایان نکنند مگر برای شوهرهایشان» البته حرمت ظاهر کردن زینت در برابر نامحرم، عرفا مستلزم حرمت نگاه کردن است. اگر مراد از کلمه زینت در آیه مکان زینت باشد امر واضح است ولی اگر مراد خود زینت باشد پس حرمت نشان دادن زینت، بنابر اولویت عرفیه، مستلزم حرمت نگاه به مکان زینت است.

و اما الاستدلال بقوله تعالى: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ...»<sup>۱</sup> فقابل للتأمل لان غض البصر ليس بمعنى تركه رأسا بل بمعنى عدم الطمع في الشيء و جعله مغفولا عنه.

اما استدلال به سخن خدای بلند مرتبه که می گوید « به مومنین بگو که نگاه شان را کوتاه کنند» دارای اشکال و تامل است چرا که غض بصر به معنای ترک نگاه نیست بلکه به معنای ادامه نگاه و طمع داشتن به استمرار نگاه است و این نکته مورد غفلت واقع شده است.

علی انه قد يقال: بان المراد غض البصر عن خصوص الفروج بقريته السياق.

گاهی گفته می شود که غض بصر مخصوص حفظ فرج است همان طور که سیاق آیه بر آن دلالت می کند.

SCO۲: ۱۸: ۱

### دلیل استثنا شدن وجه و کفین

نگاه کردن به دست و صورت نامحرم نیز میان فقها اختلاف است برخی آن را حرام دانسته اند و ادله ای نیز بیان کرده اند<sup>۲</sup> و بسیاری از فقها آن را جایز دانسته اند و ادله ای بر جواز نظر به صورت و کفین استدلال نموده اند که عبارتند از:

<sup>۱</sup> النور: ۳۰

<sup>۲</sup> أدلة عدم جواز النظر: و استدلال بعدم جواز النظر إلى الوجه و الكفين؛ من كتاب الله العزيز، بقوله تعالى: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ...» فان حذف المتعلق فيها،

دلیل علی عموم وجوب الغض عن جميع بدن المرأة.

و بآية عدم جواز ابداء زینتھنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ، فانها أيضا عام.

و استدلال ابن قدامة عليه في المغنی، بآية الحجاب، قوله تعالى: «... وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسَأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ...» و الحجاب هو الستر المرخي علی الأبواب (یسمى فی الفارسیة بپرده) و هو ظاهر لجميع البدن.

و بقوله تعالى: «... يُدْثِنَ عَلَيْنَهُنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ...» أمرن بإدناء الجلابيب، لكيلا يعرفن، و هذا دليل علی ستر جميع البدن.

الف) تمسک به صحیحہ فضیل « از امام صادق علیه السلام سوال کردم آیا دست زنها تا مرفق جز زینتی حساب می‌شود که خداوند در قرآن پوشاندن آنرا واجب کرده است؟ امام می‌فرماید: بله همین طور است (و امام در ادامه می‌فرماید) هر آنچه بیشتر از جایی باشد که روسری می‌پوشاند و بالاتر از النگوها زینت است» لذا خمار و روسری صورت را نمی‌پوشاند و مقدار کف دست هم بالاتر از النگو هست نه پایین تر از آن، بنابراین طبق این صحیحہ نمایان کردن صورت و کفین جایز است.

نکته: این استدلال ناقص است و برای تمام بودن استدلال باید مقدمه ای ضمیمه شود و گفته شود وقتی پوشاندن صورت و کفین واجب نیست نگاه کردن به آن نیز حرام نمی‌باشد

### اشکال بر استدلال به صحیحہ

ممکن است گفته شود که نمایان ساختن و آشکار ساختن هیچ استلزامی با جواز نگاه کردن به صورت و کفین ندارد و ممکن است زن بتواند صورت و کفین را آشکار نماید اما برای مردان جایز نیست به صورت و کفین نگاه کنند. شبیه به این که گفته شود بر مرد لازم و واجب نیست بدنش را بپوشاند ولی این دلالت نمی‌کند که برای زن جایز است به بدن مرد نگاه کند.

ب) تمسک به روایت زراره از امام صادق علیه السلام است در تفسیر آیه شریفه: «إِلا ما ظهر منها»، حضرت فرمودند مراد از زینت ظاهر شده سرمه و انگشتر است» از این روایت نیز اجمالا استفاده می‌شود که آشکار ساختن برخی از مواضع زینت مثل صورت و دست‌ها که محل انگشتر و سرمه کشیدن است جایز است.

### اشکال بر استدلال به روایت زراره

چند اشکال بر روایت زراره ممکن وارد شود:

۱. اشکالی که بر صحیحہ گذشته وارد شد بر این روایت نیز وارد است و آن این‌که بین نمایان ساختن و جواز نگاه کردن ملازمه‌ای وجود ندارد.

۲. در سند این روایت قاسم بن عروه آمده است و این راوی در هیچ یک از منابع روایی توثیق نشده است.

تطبیق

۲- و اما استثناء الوجه و الکفین لدی جمع من الفقهاء، فلعدۀ وجوه نذکر منها:

صورت و دو کف نزد جمعی از فقها بنابه دلایلی استثنا شده است که بعضی از آنها را ذکر می‌کنیم:

---

أقول: و یرد علی الجميع؛ أما أولاً، فلو فرض فیها ظهور فی وجوب ستر جمیع البدن، فهي معارضة بما هو أقوى منها ظهوراً، و هو قوله تعالی: «إِلا ما ظَهَرَ مِنْهَا» لا سیما مع تأیید هذا الظهور بما روی من الأخبار فی تفسیرها- و قد مرت-؛ فهذه الجملة من الآیة، تفسر الجميع؛ لا سیما مع إضافة قوله تعالی: ... وَ لَيَضْرِبُنَّ بِخُمْرِهِنَّ عَلَی جُيُوبِهِنَّ ...

الدالة علی عدم وجوب ستر الوجه، بمقتضى معنى الخمار، أولاً، و الأمر بخصوص ستر الجيوب، ثانياً.

و ثانياً، إن الجلباب علی ما فسرہ أهل اللغة، هو الملحقة (ستر شبیه بچادر) أو المقنعة الطويلة، أو الدرع الواسع، و لیس فی شیء منها ستر الوجه علی الظاهر، و أما قوله تعالی: ... فَسْتَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ...، فهذا مختص بنساء النبی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله، و لیس فیها ما یدل علی العموم.

فلیس فی آیات القرآن الکریم ما یدل علی وجوب ستر الوجه و الکفین، بل الدلیل فیها علی العکس. «أنوار الفقاهة - کتاب النکاح (لمکارم)، ص: ۷۰»



أ- التمسك بصحيحه الفضيل: «سألت أبا عبد الله عليه السلام عن الذراعين من المرأة هما من الزينة التي قال الله: وَ لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ؟ قال: نعم، و ما دون الخمار من الزينة و ما دون السوارين»<sup>١</sup>، فان الوجه لا يستره الخمار، و الكف فوق السوار لا دونه فتكون الصحيحة دالة على جواز ابدائهما.

تمسك کردن به صحیحہ فضیل «از امام صادق علیه السلام درباره آرنج زن سوال کردم که آیا از زینتی که خداوند (در آیه شریفه) فرمودند می‌باشد «زینت‌های خود را نمایان نکنند مگر برای همسرانشان» امام علیه السلام فرمود: بله هر آنچه بیشتر از جایی باشد که روسری می‌پوشاند و بالاتر از النگوها زینت است» لذا روسری صورت را نمی‌پوشاند و کف دست هم بالاتر از النگو است نه پایین تر آن، بنابر این، صحیحہ دلالت می‌کند که نمایان کردن صورت و کفها جایز است.

الا ان الاستدلال بها يحتاج إلى ضم مقدمة اخرى، و هي ان جواز الابداء يستلزم جواز نظر الغير، و قد ترفض الملازمة المذكورة، و لذا يجوز للرجل عدم ستر بدنه من دون استلزام ذلك لجواز نظر المرأة اليه. مگر اینکه (گفته شود) استدلال به این روایت به مقدمه دیگری نیاز دارد و آن این که جواز نمایان کردن مستلزم جواز نگاه به نامحرم است. گاهی این ملازمه قابل قبول نیست لذا بر مرد واجب نیست که بدنش را بپوشاند ولی این دلالت نمی‌کند که جایز است زن به آن نگاه کند.

ب- التمسك برواية زرارة عن أبي عبد الله عليه السلام في قول الله عز و جل: إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا قال: الزينة الظاهرة: الكحل و الخاتم<sup>٢</sup>.

تمسك به روایت زراره از امام صادق علیه السلام در سخن خدای عز و جل «مگر چیزی از آن زینت که ظاهر شده است فرمود: مراد از زینت ظاهر شده سرمه و نگشتر است» و دلالتها علی جواز ابداء الوجه و الکفین فی الجملة واضحة.

الا انه يرد عليها ما يرد على الصحيحة السابقة. مضافا الى اشتغال سندها على القاسم بن عروة الذي لم تثبت وثاقته. دلالت این روایت بر جواز نمایان کردن صورت و دست ها به صورت اجمالی واضح است الا این که اشکالی که بر روایت سابق وارد بود بر این روایت نیز وارد است علاوه بر این که سند این روایت شامل قاسم بن عروه است که وثاقتش ثابت نشده است.

١. وسائل الشيعة ١٤: ١٤٥ الباب ١٠٩ من أبواب مقدمات النكاح الحديث ١.

٢. وسائل الشيعة ١٤: ١٤٦ الباب ١٠٩ من أبواب مقدمات النكاح الحديث ٣.

## چکیده

۱. نگاه کردن به بدن نامحرم جایز نیست مگر در مقام معالجه، ضرورت، زنان سالخورده و دختران نابالغ، زنان کفار و زنانی که به امر به معروف و نهی از منکر توجه نمی‌کنند.
۲. کسی که قصد ازدواج با زنی را دارد می‌تواند به برخی از مواضع زینت او نگاه کند.
۳. مصنف به سه دلیل بر حرمت نگاه کردن به زن نامحرم، اشاره می‌کند:
  - مسلمات فقهی
  - آیات قرآن کریم
  - روایاتی که صرفاً نمایان نمودن دست و صورت را از حرمت ابداء استثنا کرده است.
۴. برخی به این قسمت از آیه « قل للمؤمنین یغضوا من ابصارهم...» نیز اشاره کرده‌اند که مصنف آن را نمی‌پذیرد.
۵. ادله جواز نظر به صورت و دست‌ها عبارتند از:
  - صحیحه فضیل
  - روایت زراره
  - تمسک به آیه شریفه که پوشش کردن را لازم می‌شمارد و صورت و دست‌ها را منع نمی‌کند.